

متن پرسش

با سلام جناب استاد: در خصوص آیه اربعه من طیر قرآن و تفسیر مثنوی معنوی اگر ممکن است نظری بفرمایید. آیا می‌شود این چهار طیر را با چهار کیفیت ساختاری ذهن تطبیق کرد منظور همان ذهن دانایی که از دارایی _ طبق تئوری حضرتعالی _ دورمان نگه می‌دارد؟ و طیر و مرغ در این آیه استعاره است؟ و آن چه می‌تواند باشد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال، آن واقعه که قرآن بدان اشاره دارد در همین عالم برای حضرت ابراهیم «علیه السلام» واقع شده، تا شور ایمانی خاصی که ماورای باور به احیای مردگان است در شخصیت آن حضرت بوجود آید و آن حضرت، اراده احیای مردگان را در خود احساس کنند. و این جا است که می‌توان گفت عملاً حضرت خواسته‌اند «دانایی» را به «دارایی» سیر دهند؛ امری که بشر امروز، ابراهیم‌گونه نیاز دارد آن حضور را در خود بیابد. آگاهی به خوبی‌ها برای او کافی نیست باید راهی در مقابلش گشوده شود تا حضور در خوبی‌ها را بچشد دیروز اگر به او گفته می‌شد شایسته است که دروغ نگوید کافی بود تا دروغ نگوید ولی امروز باید در عالمی حاضر شود و افقی را در مقابل خود گشوده بیابد که با دروغ گفتن، آن عالم از دست برود و آن افق تیره و تار گردد. موفق باشید